

اولا حکم در بر گرفت که جلاد می توانستند طریقی
 بر کوروش وارد آورد پس از این کار ملکه فریاد
 بر آورد، قسم داد و قسم خورده تا بالاخره شاه
 کوروش را بخشید و حکم کرد به ایالتش برگردد.
 برادرش پس از آن به بیدیه می رفت و مشغول
 انجام تدابیر شورش می شد.
 می گویند که مزاج شاه یک کنک طبیعی بود
 که مردم این نراب ملاحظت و ملاحظت تعبیری
 کردند اردشیر دوم به نام و رفتار اردشیر یکم
 ملقب به دراز دست حسادت می کرد و می خواست
 همانند او رفتار کند.
 شورش کوروش پس از جان بخشیدن کوروش
 وارد آسیای صغیر بود و تصمیم گرفت با برادرش
 اردشیر جنگ و نظر به این مقصود با اسپارت
 همکاری کرد. از آنها سپاهیان اجیر خواست و
 وعده کرد به اشکالی که بخواهد اسپارت
 برای سواران برای حال تکفید کند به کسانی که
 زمین دارند روستا و آبنمای که روستا دارند شهرهای
 بخشد و جیره افراد را به قدر کافی بپردازد.
 برادر اردشیر کوروش با مادرش پروشات
 مخفیانه ارتباط داشتن و طرفداران شاه را تکفید
 می کرد. خبری به او ندهند اردشیر با دید چشم پوشی و
 بی قیدگی به اتمام او می نگریست. پروشات گزندی های
 اردشیر را استفاده کرد و به لوط طرفداران و
 هم دستان خود میان مردم بخش می کرد و مردم را
 به حمایت از کوروش واری داشت. هم اردشیر
 رو به خود میکرد و طرفدار خود می ساخت. در جنگ
 بین دو برادر اردشیر زخمی شد اما خود کوروش
 هم در این یورش گشته شد با کشتن شدن
 کوروش جنگ مغلوب و تلفات زیادی بر سپاه
 کوروش وارد شد.

در دوران حکومت اردشیر دوم دربار شاه

در میان یک سلسله طوطه‌های پایان ناپذیر
سیاسی و جسمی، آنگذ از حاشیه‌ها و اثراتی
فرو گرفته بود. اما مادرش ابراهیم‌شاه همه
حق‌خواستند که قدرت به دست ایشان می‌آمد.
پروشان به همی کوروش بسیار منافرت داشت
به همین دلیل (اول به 400 BC پروشان زهری به
ایشان تیرا نوشتند اردشیر از شدت خشم و
جانتی در هتای کن او فرمان داد که هرگز مادرش
پیش چشم او ظاهر نشود، اما بعد اردشیر دوم
در مواقع ضعف در ماندگی خویش مکرر از حضور
و از رهنمای مادر کمک جست. پس از مرگ
استاتیرا شاه به اهرام مادرش پریزاس
دختر خودش اتوسا را به تنی گرفت و بعد نیز
یکی دیگر از دخترانش به نام آمستریس ازدواج کرد.
مورخان و دانشمندان نوشته اند که در
امور داخلی ایران سلطنت اردشیر دوم جز ضعف
سستی نشان می‌دهد در زمان وی در مهر
و آسیای صغیر و جزیره قبرس امپراتوری
رومی داد که به خاطر ضعف قدرت مرکزی بعضی با
سیاست و تدبیر رفع شد و برخی به پیشرفت
شورشیان نادره ای انجامید و دولت هخامنشی
قبول کرد که ناجی به آن داده شود و در بعضی
مناطق مذکور در امور داخلی شان خود مختار
باشند. مثل - قبرس پادشاهی انتخاب کرد و
دربار ایران اول به رسمیت شناخت و مهر
مستقل ماند اما در امور خارجی دوران فرما
نروان اردشیر دوم برای توان دوران کامیابی
شاهنشاهی هخامنشی به شماره آورد.
روابط دربار ایران و اسپارت تیره
شد و آنتی‌ها به ایران نزدیک شدند.